

## والدین و تعلیم و تربیت دینی فرزندان

مرتضی بازدار

مدرس دانشگاه فرهنگیان استان اردبیل

طاهر رضازاده سامیان

دانشجوی کارشناسی پیوسته رشته علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان استان اردبیل (مرکز آموزش عالی آزادگان نیر)

پویا عبادی کوهساره

دانشجوی کارشناسی پیوسته رشته علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان استان اردبیل (مرکز آموزش عالی آزادگان نیر)

میثم صمدی

دانشجوی کارشناسی پیوسته رشته علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان استان اردبیل (مرکز آموزش عالی آزادگان نیر)

فرشید پیران ینگجه

دانشجوی کارشناسی پیوسته رشته علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان استان اردبیل (مرکز آموزش عالی آزادگان نیر)

صیاد سامه آیلار

دانشجوی کارشناسی پیوسته رشته علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان استان اردبیل (مرکز آموزش عالی آزادگان نیر)

E-mail: (sayyad.sameh.1370@gmail.com)

## چکیده

کودکی از حساس ترین و سرنوشت ساز ترین دوره زندگی انسان است، بنابراین پرورش استعداد های دینی فرزندان بسیار با اهمیت و اساسی است و نباید از آن غافل شد و در این راستا نیاز به سرمایه گذاری و برنامه ریزی است تا نسلی قرآنی، با ایمان، سالم، وظیفه شناس، درستکار، فداکار، شجاع و هدفدار داشته باشیم و ان شاء الله شاهد جامعه ای اسلامی و ایده آل خواهیم بود.

فرزندان ارزشمندترین گوهر های والدین هستند؛ آنها امید های فردای پدر و مادر هستند و تربیت فرزندان مهمترین وظیفه ای که والدین باید انجام دهند و این کار ساده ای نیست. فرزندان مهمترین دارایی والدین هستند و اگر از آنها به درستی نگهداری و مراقبت نشود، ممکن است تبدیل به یک بدهی شوند؛ موضوع به همین سادگی است. شخصیت انسان و بنیان و پایه خصوصیت های اخلاقی وی در اوایل کودکی بویژه در سنین مقدماتی عمر پی ریزی می شود. علاقه زیاد به یادگیری و انعطاف پذیری در مقابل رفتار پدر و مادر و اطرافیان ویژه مرحله خردسالی و قبل از قدم گذاشتن به دبستان است. در این مقاله سعی بر این است تا با ارائه و ذکر مطالب سودمند در حوزه تعلیم و تربیت فرزندان و جایگاه آنها در آیات آسمانی قرآن کریم و نقش سازنده و پراهمیت والدین در این راستا قدمی درست و بجا برداشته باشیم.

**واژگان کلیدی:** والدین ، تربیت دینی ، حقوق فرزندان ، تعلیم و تربیت ، کودک



### مقدمه

روابط کودک و والدین و سایر اعضای خانواده، چون شبکه و نظامی درهم پیچیده است که افراد آن درکنش متقابل بایکدیگرند والدین می توانند برای کودک خود نقش بهترین معلم و الگو را به عهده داشته باشند. دنیای کودک و نوجوان تحت تأثیر عوامل و شرایطی است که والدین و مربیان زمینه ساز آن هستند. کودکان و نوجوانان، این غنچه های نوشکفته، به افراد والگوهایی نیاز دارند که آنها را در پیمودن مسیر زندگی یاری دهند، توانایی و استعداد آنها را کشف کنند و با ایجاد شرایطی مناسب، زمینه های رشد و فعالیت آنها را فراهم آورند. بدیهی است در این رابطه، نزدیک ترین و مؤثرترین افراد در خانه و مدرسه، والدین و مربیان اند. (مراد حاصل، ۱۳۹۱).

### متن

#### معنای لغوی تربیت

واژه تربیت، در اصل، عربی و مصدر باب تفعیل است. این واژه از ریشه «ربو» به معنای زیادت، فزونی، رشد، پرورش، تدبیر و اصلاح است. اصل وریشه این واژه، از «رب» به معنای مالک، خالق، صاحب، مدبر، مربی، قیم، سرور و منعم گرفته شده است. هم چنین اصلاح کننده و تربیت کننده هر چیز را «رب» گویند. بدین سان، واژه تربیت با توجه به معنای لغوی آن، یعنی ایجاد حالتی پس از حالتی دیگر در چیزی، به صورت گام به گام و تدریجی، تا به بالاترین حد کمال خود برسد. این واژه گاهی به معنای پروردن و پروراندن، زمانی به معنای رشد و رشد دادن، و گاهی به معنای تزکیه و پاک ساختن اخلاق فرد از آلودگی ها و ردائیل نیز بکار رفته است. (آقاتهرانی، حیدری کاشانی، ۱۳۹۲).

#### معنای اصطلاحی تربیت

تعریف اصطلاحی تربیت، عبارت است از: «فعالیتی منظم و مستمر در جهت کمک به رشد جسمانی، اخلاقی، عاطفی، اجتماعی و بطور کلی پرورش و شکوفایی استعدادهای متربی، به گونه ای که نتیجه آن در شخصیت متربی، به ویژه در رفتارهای او ظاهر شود». (حاجی ده آبادی، ۱۳۷۷). تربیت در حوزه علوم تربیتی عبارت است از: «رفع موانع و ایجاد زمینه های مناسب برای پرورش استعدادهای انسانی، شکوفاسازی قابلیت های نهفته و به فعلیت رسانی امکانات بالقوه درونی در متربی». مانند تربیت دانه سب که به معنای فراهم آوردن زمینه رشد دانه است به گونه ای که به سببی کامل تبدیل گردد، و یا تربیت فرزند که به معنای ایجاد زمینه رشد و پرورش فرزند است به گونه ای که به انسانی کامل تبدیل گردد. بنابراین تربیت، «همان رفع موانع و ایجاد مقتضیات لازم جهت شکوفاشدن استعدادهای انسان در مسیر کمال» و به عبارت دیگر به معنای «استخراج نیروها و استعداد های درونی انسان» خواهد بود. (رشیدپور، ۱۳۷۸). بر این اساس، تعلیم، بخشی از تربیت است چرا که تربیت در واقع «تربیت بعد فکری و عقلانی انسان» یا «ایجاد زمینه رشد و شکوفایی برای استعدادهای ذهنی انسان» (سادات، ۱۳۷۲) محسوب می شود و کار معلم در این میان، ایجاد زمینه های مناسب برای شکوفایی استعدادهای ذهنی و قوه ابتکار معلم است.

#### معنای تربیت دینی

آنچه در کتاب های موجود در مورد دین و تربیت به چشم می خورد، فقدان ارائه معنایی معین از دین و تربیت از سوی علما و دانشمندان است. از این رو به طور طبیعی نظرهای متعددی درباره مفهوم تربیت دینی ابراز شده است. دائرة المعارف بین المللی تربیت، تربیت دینی را چنین تعریف می کند: تدریس منظم و برنامه ریزی شده که هدف از آن دست یابی فرد به

اعتقاداتی درباره وجود خداوند، حقیقت جهان هستی و زندگی و ارتباط انسان با پروردگارش و دیگر انسان هایی که در جامعه با آن ها زندگی می کند و بلکه با همه آحاد بشر است. (مشایخی راد، ۱۳۸۰).

### جایگاه فرزند در آیات و روایات

قرآن کریم در برخی آیات از فرزندان با عنوان هایی همچون: نور چشم (سوره فرقان، آیه ۷۴)، زینت بخش زندگی (سوره کهف، آیه ۴۶) و وسیله آزمایش بشر (سوره انفال، آیه ۲۸ و سوره تغابن، آیه ۱۵) یاد کرده است. پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومان (ع) نیز هر کدام تعابیر بسیار زیبایی درباره فرزند بیان کرده اند. این تعابیر گویای این هستند که فرزند از منزلت و جایگاه بالایی برخوردار است که اگر والدین این حقیقت را دریابند، با آگاهی بیشتر در تربیت و آموزش فرزندان، این میوه های زندگی، اهتمام می ورزند. پیامبر (ص) فرزند را گلی از گلهای بهشت الولد الصالح ریحانه من ریحان الجنة جگرگوشه مؤمن و موجب شفاعت و آموزش آنها می داند: الولد کبد المؤمن إن مات صار شفیعا و إن مات بعده یستغفرالله له فیغفر له. آن حضرت در جای دیگر مهر ورزیدن به فرزندان را موجب دستیابی به درجات بهشت معرفی می کند و می فرماید: قبلوا اولادکم فان لکم بكل قبلة درجه فی الجنة و ما بین کل درجتین خمس مائة عام فرزندان خود را ببوسید؛ زیرا برای هر بوسه ای که به فرزندان می زنید، یک درجه در بهشت خواهید داشت که فاصله هر درجه تا درجه دیگر به اندازه پانصد سال راه است. ابن عمر از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند: من سقی ولده شربة ماء فی صغره سقاه الله سبعین شربة من ماء الکوثر یوم القیامة هر کس به فرزند خردسال خود جرعه ای آب بنوشاند، خداوند به پاداش آن در روز قیامت هفتاد جرعه از آب کوثر به او می نوشاند. در جایی دیگر، پیامبر (ص) فرمود: نظر الوالد الی ولده حبا له عبادة نگاه کردن پدر و مادر به فرزند از روی مهر و محبت، عبادت است. (افق حوزه، ۱۳۸۸). از مجموع آیات و روایات که به برخی از آنها اشاره شد، استفاده می شود که فرزند عطیه و موهبتی الهی و نعمتی است که خود منشأ نعمت های بی شمار دیگر است. وجود فرزند در خانه، فضای آن را از خیر و برکت و مهر و محبت لبریز می کند، رابطه معنوی و الهی والدین و فرزندان هر دو را از رحمت های واسعه ربوبی بهره مند می گرداند. (طیبی، ص ۳۴). گفتاری از مرجع فقید، آیه الله العظمی میرزا جواد تبریزی قدس سره؛ وظیفه والدین در مراحل مختلف دوران رشد فرزندان خود، حساس و سنگین می باشد. ابتدا باید فرزند را به گونه ای تربیت کرد که صفات حمیده به تدریج به او آموزش داده شود و سپس متناسب با رشد کودک، کارهای لازم به او یاد داده شود که نتیجه آن در آینده کودک مشاهده خواهد شد. به عنوان مثال مادر سعی کند با وضو به کودک شیر دهد و اگر مشقت دارد، تیمم کند که این عمل اثر عجیبی بر فرزندان خواهد داشت؛ ذکر صلوات در کنار کودک و رساندن صدای قرآن و دعا نیز به گوش او تأثیر خوبی دارد. هم چنین در مراحل مختلف رشد، اوصاف خوب و حمیده را به او آموزش دهد و از همان سن کودکی بر خورد خوب را به او بیاموزد. والدین باید در گفتار و کردار خود در مقابل فرزند دقت کامل داشته باشند که حتی یک حرکت نادرست نیز، فرزند را به آموزش غلط خواهد کشاند. وقتی فرزند به مرحله جوانی رسید، مسایل شرعی را به او یاد دهند و او را در جهت کسب صفات معنوی راهنمایی کنند. جوانی، دوران بسیار حساسی است که می توان فرزند را با آموزش صحیح و درست بخصوص از سوی مادر که همیشه در کنار اوست به سعادت اخروی کشاند و در هر حال بر والدین است که در دوران مختلف رشد کودک، در جهت نیل به سعادت اخروی فرزندان خود تلاش کنند و به خود تلقین نکنند که فرزند هنوز کوچک است و وقت زیادی دارد؛ که این اشتباه بزرگی است، بخصوص این زمان که خطر بزرگی متوجه جوانان عزیز می باشد و والدین نقش اساسی در سرنوشت فرزندان خود دارند. (افق حوزه، ۱۳۸۸).

کودک، در آغاز تولد، دارای فطرتی پاک و خدایی است. روحی پاک و سپید که از جنس روح خداست. این روح پاک، پس از تولد، مثل امانتی، به دست والدین سپرده می شود. آنها هستند که تعیین میکنند این روح، چطور رنگ بگیرد... آسمانی

شود یا ز مینی... سپید شود یا سیاه یا خاکستری... چنان که اهل بیت علیه السلام می فرمایند: هر کودکی فطرتی خدایی دارد و اگر کودکی منحرف شد بدانید پدر و مادرش او را منحرف کرده اند. بر مدار دین به ما می آموزد که چرا و چگونه، فرزندانمان را بر مدار دین تربیت کنیم تا روحشان، پاک و آسمانی، بماند. (اسلاملو و همکاران، ۱۳۸۹).

حضرت علی (ع) می فرمایند فرزندان خویش را در خرد سالی بر آداب و تربیت تشویق کن تا در بزرگی و پیری دیدگانت به نور آداب آنان روشن گردد. (قائمی امیری، ۱۳۸۶). بر پدر و مادر واجب است که از انعطاف پذیری کودک و نوجوان استفاده کرده، پیش از آنکه شخصیت آن شکل بگیرد، به تربیت صحیح او بپردازند. (مظاهری، ۱۳۷۵). از پیامبر (ص) روایت است که فرمود: فرزند هفت سال سرور، هفت سال فرمانبردار و هفت سال وزیر است. همچنین پیامبر (ص) می فرمایند: اکرموا اولادکم و احسنوا آدابهم یغفر لکم؛ فرزندان خود را گرامی بدارید و خوب تربیت شان کنید تا گناهان شما آمرزیده شود. (مکارم الاخلاق، ص ۲۲۲). از امام باقر (ع) روایت شده است که وقتی کودکی سه ساله شده هفت بار به او بگوید «لا اله الا الله» را بخوان سپس رهایش کنید تا به سن ۳ سال و ۷ ماه و ۲۰ روز برسد، آنگاه هفت بار او را درش کنید که بگوید «محمد رسول الله» سپس تا ۴ سالگی به حال خود بگذارید. وقتی چهار سال او تمام شد، هفت بار بگوید «صلی الله علی محمد و آل محمد». وقتی به ۵ سالگی رسید از او بپرسید که دست راست و چپ اش کدام است؟ وقتی یاد گرفت به او تعلیم دهید که روبرو قبله بایستد و سجده کند. سپس وقتی به ۶ سالگی رسید رکوع کامل و سجده صحیح را به او بیاموزید. (غروی، ۱۳۸۱).

#### تربیت فرزندان را به تأخیر نیندازید

سعی کنید، تربیت فرزندان عزیز و میوه های زندگی تان را ز همان اوایل کودکی شروع کنید، نگذارید تربیت آنها به تأخیر بیفتد، تربیت به موقع، مانند آب دادن به گل است، اگر به تأخیر بیفتد، سبب خشکیدن گل می گردد. فرزندان هم، اگر از کودکی مورد توجه و تربیت صحیح قرار نگیرند، ممکن است دچار مشکلات بعدی شوند و تربیت دیر هنگام، دیگر اثری روی آنها نداشته باشد. آنها وقتی کودک هستند، آمادگی پذیرش هر گونه خوبی را دارند، همانند زمین مساعد برای کشت هستند که هر چه در آن کاشته شود، محصول خوب به دست می آید، اما اگر همان زمین مناسب به موقع کشت نشود، هیچ حاصلی جز خار و خاشاک و علف های هرزه نخواهد داد، کودک هم، آمادگی پذیرش هر گونه تربیت از طرف پدر و مادر را دارد. اگر والدین به موقع و باروش های صحیح در مورد آن اقدام نمایند نتیجه مطلوب خواهند گرفت. اما اگر نسبت به تربیت فرزندان به موقع اقدام نکنند و یا اگر در تربیت فرزندان دچار افراط و تفریط شوند نتیجه معکوس خواهند گرفت. (کریمی، ۱۳۹۱).

#### چند توصیه به والدین و مربیان گرامی

- آگاه کردن کودکان و نوجوانان از الگوهای مذهبی و اجتماعی که بارهادر زندگی شکست خورده اند ولی از حرکت باز نایستاده اند
- تقویت حس ارزشمندی در فرد از طریق ابراز احترام و محبت و ارائه تشویق های بجا و مناسب
- استفاده از القاب مثبت (پسر یا دختر خوب) و (دختر توانا)
- صحبت با خانواده ی آنها برای ایجاد فضای مناسب برای بالا بردن عزت نفس فرزندان
- توصیه به کودکان و نوجوانان برای شرکت در فعالیت های گروهی و تیمی در زمینه های ورزشی، هنری، فرهنگی...
- توجه دادن فرزندانمان به اینکه، خود را در امور دنیایی و مادی، با پایین تراز خویش و در امور معنوی، با بالاتر از خود مقایسه کنند
- مطالعه ی کتاب های مفید و معرفی آنها به کودکان و نوجوانان در زمینه های مورد نیاز
- رواج هر چه بیشتر فرهنگ ارزشمند «توکل». (مراد حاصل، ۱۳۹۱).

**راز پدر و مادرهای موفق**

- ارزش های حقیقی خود را می شناسند و نقطه نظری بانیات دارند
- دقیقاً می دانند که چه ارزش هایی را می خواهند به فرزند خود منتقل کنند
- همیشه هدف های تربیتی خود را در نظر دارند
- به تناسب سن و شرایط رشد فرزندشان تا حد امکان به او تصمیم گیری های آزادانه محول می کنند
- نه بیشتر و نه کمتر از توان کودک از او کار می کشند
- به فرزند خود جهت، امنیت و آرامش می دهند
- به فرزند خود احساس علاقه، توجه و همدردی نشان می دهند
- برای فرزند خود وقت صرف می کنند و به احساسات، علائق، نیازها، نگرانی ها و مشکلات او توجه می کنند
- به هر چه می گویند عمل می کنند و مواظب حدود و مرزها و قوانین خود هستند
- بیشتر پاداش می دهند و رفتار مطلوب فرزندشان را تشویق می کنند
- اگر اشتباهی از آنها سر بزنی رفتار عصبی داشته باشند و اعتراف می کنند و از فرزند خود عذر خواهی می کنند. (بدون منبع).

**اسلام و حقوق فرزند**

پیشوای عالیقدر شیعیان امام سجاد(ع) در این حدیث شریف به مسئولیت پدران در تربیت فرزندان تصریح فرموده است. امام(ع) پرورشهای اخلاقی و ایمانی فرزند را از وظایف مسلم مذهبی آنان (پدران) دانسته و خاطر نشان نموده است که تربیت های پسندیده پدران، مانند ادای یک فریضه مذهبی موجب اجر و پاداش در پیشگاه خداوند است و پرورشهای ناپسند مانند ترک واجب یا ارتکاب گناه، پدران را مستحق عقاب و کیفر الهی خواهد کرد. رسول اکرم(ص) فرمودند: ما مِنْ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَاؤُهُ يَهُودَانِهِ وَ يُنصَّرَانِهِ وَ يُمَجْسَانِهِ (صحیح بخاری، جزء ۲). هر فرزندی بر فطرت توحید و خداپرستی متولد می شود، و این پدر و مادر او هستند که او را یهودی یا مسیحی و یا زردشتی سوق می دهند (و او را از راه فطرت دور می سازند). افزون بر این، در اصل چهارم و ششم اعلامیه جهانی حقوق کودک (مصوب اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بیستم نوامبر ۱۹۵۹) چنین آمده: کودک باید از امنیت اجتماعی بهره مند گردد. در محیطی سالم پرورش یابد و بدین منظور کودکان و مادران باید از مراقبت و حمایت خاص که شامل توجه کافی پیش و بعد از تولد میشود، بهره مند شوند. کودک جهت پرورش کامل و متعالی شخصیتش نیاز به محبت و تفاهم دارد و باید حتی الامکان تحت توجه و سرپرستی والدین خود، و به هر صورت در فضایی پر محبت در امنیت اخلاقی و مادی پرورش یابد. کودک خردسال را به جز در موارد استثنایی نباید از مادر جدا کرد. بنابراین، هم قوانین پذیرفته شده بین المللی و هم آموزه های دینی با تأکید بیشتر، والدین را مسئول می دانند و از این رو، خانواده هایی که به سعادت فرزندان خود می اندیشند و نسبت به آینده آنها احساس مسئولیت می کنند باید برای طفل، پیش از تولدش، بلکه پیش از انعقاد نطفه برنامه ریزی کنند (بهشتی، ۱۳۸۰) و همه نیازهای کودکان را برای رشد و تعالی تأمین نمایند.

تربیت صحیح کودک اگر چه یک بحث مفصلی است که در این مقال نمی گنجد اما در مورد آن نکاتی را باید در نظر داشت:

۱- خودسازی قبل از تربیت: بسیاری از افراد غافل در محیط خانه به محض پیش آمدن کوچکترین ناراحتی و اختلاف، رکیک ترین الفاظ و فحش ها را بر زبان جاری می سازند. غافل از اینکه این گونه کلمات برای کودک تازگی داشته و او را وادار به جستجوی معانی آنها می سازد و به تدریج کودک نیز آن ها را یاد می گیرد و ممکن است در آینده اسباب انحرافات فکری و فساد اخلاقی او را فراهم کند، روانشناسان عقیده دارند یک نمونه و الگوی شایسته از هزار نصیحت نیکوتر است و الگوی نیکو

بهرتر از پند و ارشاد است و هیچ چیز برای کودک مثل این نیست که مشاهده نماید گفتار و کردار مربی و پند دهنده، با یکدیگر تضاد دارد که این باعث سبک شمردن نمونه های عالی و خوب و پندهای اخلاقی می گردد. (دانشمند، ۱۳۸۰). پدر و مادر در خانه مواظب برخورد خود با یکدیگر بوده و در حضور فرزند احترام یکدیگر را نگهداشته و هیچ گونه بی احترامی نسبت به یکدیگر نکنند. پیامبر اکرم (ص) در روایتی می فرماید: از جمله حقوقی که فرزند بر پدر خود دارد این است که مادرش را احترام کند، برای کودک نام خوب انتخاب نماید، به کودک قرآن بیاموزد و او را به پاکی و پاکدامنی پرورش دهد. (موسوی راد لاهیجی، ۱۳۷۹).

۲- رعایت حد اعتدال در محبت و دوری کردن از افراط و تفریط در آن تنها نقطه امید و مایه شادی و نشاط کودک، مهر و محبت پدر و مادر است، هیچ نیرویی به اندازه محبت والدین، خاطر طفل را مطمئن و آرام نمی کند و هیچ مصیبتی مانند از دست دادن تمام یا قسمتی از مهر پدر و مادر، روان او را مضطرب و آزرده نمی سازد، چنانچه والدین بتوانند در این زمینه موفق باشند فرزندان آن ها نه تنها در دوران طفولیت بلکه در بزرگسالی نیز سعی می کنند خاطر والدین را آزرده نساخته و از اموری که والدین را می رنجاند دوری کنند، پس محبت و مهربانی به کودکان علاوه بر ارضای نیاز آنها وسیله جذب و زمینه اطاعت آنها را فراهم می سازد و بر همین اساس است که خداوند متعال نیز خطاب به پیامبرش می فرماید: به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب! و در کارها، با آنان مشورت کن. (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹). البته باید توجه داشت این محبت به حد افراط یا تفریط نرسد زیرا هم سخت گیری و بی مهری و هم محبت شدید و افراطی هر دو مخرب هستند. محبت بیجا از همان روزهای نخست اطفال را لوس، ضعیف، بی اراده و خود رأی بار می آورد. این قبیل اطفال در ایام کودکی، پدران و مادران خود را با اعمال نادرست خویش به زحمت می اندازند و آنها را با مشکلاتی مواجه می کنند، شخص لوس بار آمده، به دو مصیبت گرفتار است، از طرفی توقع دارد زن و مرد اجتماع، مانند پدر و مادرش او را نوازش کنند و بی حساب احترامش نمایند و اوامر او را بی چون و چرا به کار بندند، وقتی مشاهده می کند که مردم نه تنها احترامش نمی کنند، بلکه در مقابل این توقع بی جا مسخره اش می نمایند سخت ناراحت می شود و در خود احساس حقارت و پستی می نماید، از طرف دیگر شکست های درونی و ناکامی های روانی که منشأ عقده حقارت شده است او را به انسانی تندخو و عصبی، بی حوصله، بداخلاق، زبون و فرومایه مبدل می کند، به مردم بدبین می شود و با کلمات زشت و رفتار ناپسند خویش آنان را خشمگین و ناراحت می نماید. (میخبر، ۱۳۸۶). همان گونه که باید از افراط در محبت دوری کرد همچنین باید از تفریط در آن و برخورد تند و خشن پرهیز نمود؛ از نظر روانشناسی برخورد خشن با کودک بسیار اشتباه بوده و مضرات فراوانی را به دنبال دارد که به برخی از آن اشاره می کنیم:

الف) باعث جرأت بر پدر و مادر می شود. آنجایی که پدر و مادر، زبان به ملامت طفل می گشایند و در این کار اصرار می ورزند و در نتیجه با سرزنش های مداوم خود، به فرزند خویش توهین می کنند و او را تحقیر می نماید، این گونه والدین نه تنها به اصلاح کودک خود موافق نشده اند، بلکه با این عمل خام و ناصواب، طفل را به لجاجت و جرأت بر خود وادار کرده اند. از حضرت علی (ع) روایت شده است که فرموده اند: زیاده روی در ملامت و سرزنش، آتش لجاجت را شعله ور می کند.

ب) برخورد خشن و تند با کودک باعث می شود که کودک اعتماد به نفس خود را از دست بدهد. هیچ چیز به قدر تحقیری که کودک در قبال قدرت و زورنمایی بزرگترها در خود احساس می کند اعتماد به نفس را در او خاموش نمی کند. (میخبر، ۱۳۸۶).

ج) باعث ایجاد روحیه انتقام گیری و عقده ای شدن کودک می شود. روانشناسان پس از بررسی های علمی به این حقیقت رسیده اند که بسیاری از جنایتکاران و تبهکاران بزرگ اجتماع کسانی بوده اند که در دوران کودکی از آنها نفی شخصیت شده است یعنی جامعه چنین افرادی را به کلی طرد نموده و هیچ نوع شخصیتی برای آنها قائل نبوده است، این عده وقتی احساس کردند که جامعه آنها را طرد نموده، یکباره همه پرده ها را کنار زده به رفتارهای زننده غیر اجتماعی دست زده اند تا عقده های

خود را خالی کرده، از جامعه انتقام بگیرند، به طور مسلم اگر شخصیت این افراد تا حدودی تثبیت می گشت ممکن بود این نیرو و استعدادها به جای این که در مسیر غلط و ناروا به مصرف برسد در مجرای صحیح و اصولی به کار افتاده، منشأ آثاری می گشتند. (رشیدپور، ۱۳۶۲).

۳- دادن شخصیت به کودک: به فرزندان خود شخصیت بدهید همان گونه که در روایات می خوانیم گاهی پیامبر (ص) به احترام کودک خود سجده نماز را طولانی می نماید تا از دوش آن حضرت پایین بیاید و گاهی به احترام کودک دیگران که صدای شیونشان بلند بود، نماز جماعت را با سرعت خاتمه می دهد و بدین وسیله عملاً به مردم درس و روش حفظ شخصیت اطفال را می آموزد.

۴- فراهم آوردن میدان تجربه برای کودک: اگر جلوی تجربه کردن کودک توسط شما گرفته شود، اولاً جلوی شکوفایی یک قسم از استعدادهای کودک را گرفته اید، ثانیاً فرزند شما در آینده اعتماد به نفس خود را از دست داده و صرفاً می خواهد از نظرات دیگران استفاده نماید و حاضر نیست تجربه کند، ثالثاً قدرت انجام کاری را نداشته و دائماً از تجربه کردن می ترسد. (کاظمی، ۱۳۸۱). حضرت علی (ع) از فرزندان خود در حضور مردم و گاهی حواله دادن جواب سؤالات مردم برایشان، به آنها شخصیت می دادند. (میخبر، ۱۳۸۶).

۵- رعایت تکامل تدریجی کودک: تربیت فرزند باید به صورت مرحله ای و متناسب با سن او باشد. بنابر تحقیقاتی که به وسیله دانشمندان رفتارشناس صورت گرفته، بیش تر ناسامانی ها و بزهکاری های رفتاری در بزرگسالان، نتیجه تربیت غلط و برخورد ناصحیح در دوران اولیه رشد و آغاز سال های زندگی است. در واقع، اساس و پایه اصلی شکل گیری شخصیت انسان در دوران هفت سال اول زندگی است؛ همان دوران حساسی که کودک در کنار والدین به سر می برد. (فرهادیان، ص ۳۹). امیرالمؤمنین (ع) به همین نکته تربیتی اشاره دارد که به امام حسن (ع) می فرماید: "دل کودک چون زمینی خالی است که هر بذری در آن پاشیده شود، می پذیرد، پس من پیش از آن که قلبت سخت و فکرت به امور دیگر مشغول شود، به ادب و تربیت تو مبادرت ورزیدم. (نهج البلاغه، نامه ۳۱). از حکیمی پرسیدند: از چه زمانی تربیت را باید آغاز کرد؟ حکیم گفت: از بیست سال قبل از تولد. (افروز، ص ۹). پس به نظر دقیق، تربیت کودک حتی سال ها قبل از تولد طفل آغاز می شود، یعنی والدین قبل از فرزند دار شدن، زمینه رشد و هدایت را در خود ایجاد کنند و برای پدر و مادر شدن خود را آماده نمایند.

با توجه به مطالب فوق، بخشی از مهم ترین وظایف پدر و مادر نسبت به کودکان چنین است:

۱- توجه به استقلال طلبی کودکان: بذراستقلال طلبی از سال های آغازین زندگی کودک شروع به رشد و جوانه زدن می کند. پدر و مادر زمینه را برای رشد متعادل این میل فراهم می آورند. آزادی های لازم را به او بدهند. البته آزادی باید محدود باشد. روش های آزاد منشانه به کودکان و نوجوانان حق انتخاب و گزینش می دهد. زمینه را برای خلاقیت و شکوفایی استعدادهای نهفته آنان فراهم می سازد. کنترل و تذکر بیش از حد، تأثیر معکوس داشته و اعتماد به نفس کودک و نوجوان را از بین می برد. (کریمی و همکاران، ص ۷۷).

۲- پرورش شخصیت کودکان: والدین با روش های مختلف می توانند شخصیت کودکان خود را پرورش دهند که مهم ترین آن، سلام کردن و هم بازی شدن با آن ها است. حضرت علی (ع) می فرماید: "مَنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ صَبَا؛ کسی که کودکی دارد باید (در راه تربیت او) کودکانه رفتار نماید". (وسائل الشیعه، ص ۱۲۶). دو عامل دیگر تربیت فرزند (دوران مدرسه و اجتماع) چون عامل اول قرار دارند، هر چند از اهمیت لازم برخوردارند اما مواظبت اولیه، در هوشیاری فرزند تأثیر بسزایی دارد. نیز مواظبت در دوره مدرسه و انتخاب دوستان مناسب و افرادی که صلاحیت اخلاقی بالایی دارند، بر امنیت خاطر می افزاید تا وقتی وارد اجتماع شود، دغدغه خاطری پیش نیاید.

۳- اظهار محبت: اولین نیاز روانی کودک و نوجوان مهر و محبت و دوست داشتن آن ها است. هر کودک و نوجوانی برای داشتن احساس امنیت، باید مورد محبت قرار گیرد. ابراز محبت، موجب دلگرمی و علاقه مندی به شما و زندگی خواهد شد. احساس امنیت در نوجوان سبب می شود زمینه پیوند شما با او توسعه یابد. در این رابطه رفتار صحیح دینی را بیاموزد. رابطه مهرآمیز همراه با گذشت و مدارا، با همگان و به خصوص با کودکان و نوجوانان قوی ترین و پرجاذبه ترین وسازنده ترین رابطه ها است. (کریمی و همکاران، ص ۷۷). البته زیاده روی در محبت برای فرزند زیانبار است.

۴- جهت دهی مثبت به احساسات: کم اهمیت جلوه دادن اشتباهات و تقدیر از رفتارها و کارهای ارزشی و پسندیده آنان، سبب می شود که آن ها به خود دلگرم شوند، احساس ارزشمندی نمایند. تقویت احساسات و ارزش های مثبت، یکی از مؤثرترین عوامل برای جهت دهی به گرایش های دینی فرزندان محسوب می شود.

۵- درونی کردن ارزش های دینی و اخلاقی: آموزش مفاهیم دینی و یافتن بینش صحیح یک چیز است و پذیرش و عمل کردن به آن چیز دیگر است. باید سعی نمود نوجوان و جوان به صورت خودآگاه عامل به دستورات اخلاقی و دینی شود. دین باوری و عشق و علاقه به ارزش های دینی از درون او بجوشد، در این صورت رفتارهای مذهبی و دینی، ماندنی و پایدار خواهد شد. (کریمی و همکاران، ص ۷۷).

#### بحث و نتیجه گیری

امید است با مطالعه مطالب مفید فوق الذکر سعی و تلاش کنیم در جهت تربیت دینی فرزندان این سرزمین از هیچ فعالیتی دریغ نکرده و همیشه به یاد داشته باشیم؛ از وظایف مهم والدین، احترام به کودک است کودکانی که در دوران پیش دبستانی از امنیت و مهر و مهرورزی کافی برخوردار نمی شوند، در زندگی آینده آسیب هایی برای این کودکان وارد می شود که به ندرت در دوره های بعد قابل جبران و بازگشت است. بنابراین سعی کنیم آنها را درست تربیت کنیم و هرگز فراموش نکنیم که پدر و مادر هر دو در تربیت فرزندان نقش دارند.



## منابع

- قرآن مجید
- افق حوزه ، نقش والدین در تربیت فرزندان ، شماره ۲۳۷ ، مردادماه ۱۳۸۸
- اسلامو، نعیمه وهمکاران، (۱۳۸۹)، نسل نور؛ تربیت کودک ، چاپ چهارم ، کرج ، انتشارات تلاوت آرامش
- افروز، غلامعلی، (۱۳۷۲)، روانشناسی و تربیت کودکان ونوجوانان، چاپ نهم، انتشارات انجمن اولیاومریمان، ص ۹
- آقاتهرانی، مرتضی، حیدری کاشانی، محمدباقر، (۱۳۹۲)، خانواده و تربیت مهدوی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات کتاب یوسف
- بهشتی، احمد، (۱۳۸۰)، اسلام و حقوق کودک، چاپ چهارم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۱۹، ۱۲
- حاجی ده آبادی، محمدعلی، (۱۳۷۷)، درآمدی برنظام تربیتی اسلام، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی
- دانشمند، مهدی، (۱۳۸۰)، ارزش والدین و تربیت فرزند، انتشارات یاس نبی، ص ۶۹، ۷۰
- رشیدپور، مجید، (۱۳۷۸)، آشنایی باتعلیم و تربیت اسلامی، تهران، سازمان انجمن اولیا و مریمان
- رشیدپور، مجید، (۱۳۶۲)، تربیت کودک ازدیدگاه اسلام، انتشارات کعبه، ص ۶۶
- رلی جیوس، توماس، تعلیم و تربیت دینی (مجموعه مقالات)، مترجم؛ مشایخی راد، شهاب الدین ، (۱۳۸۰)، قم، پژوهشکده حوزه ودانشگاه، ص ۷۰
- سادات، محمدعلی، (۱۳۷۲)، اخلاق اسلامی، تهران، سازمان مطالعه وتدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها
- صحیح بخاری، جزء ۲، باب الجنائز، ص ۱۱۸
- طبرسی، فضل، مکارم الاخلاق، ص ۲۲۰، ۲۲۲
- طبسی، محمدجواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، ص ۳۴
- غرویان، محسن، (۱۳۸۱)، تربیت فرزندبانشاط وسالم، انتشارات مؤسسه فرهنگی وانتشاراتی یمین، ص ۱۸۵
- فرهادیان، رضا، والدین و مریمان مسئول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۳۹
- قائمی امیری، علی، (۱۳۸۶)، خانواده ازدیدگاه امیر المؤمنین(ع)، انتشارات انجمن اولیا و مریمان، ص ۲۳۱
- کاظمی، محسن، (۱۳۸۱)، چگونه فرزندنابعه داشته باشیم، نشر میم، ص ۱۵۶
- کریمی، رضا، (۱۳۹۱)، کلیدهاوتکنیک های طلایی تربیت برتر، چاپ پنجم، قم، انتشارات نسیم حیات
- کریمی، عبدالعظیم، (فرهادیان، رضا؛ حدادعادل، غلامعلی؛ مفیدی، فرخنده)، آنچه درباره کودک ونوجوان بایددانیم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، جلد هفت، ص ۷۷
- مرادحاصل، مهدی، (۱۳۹۱)، روش های صحیح تربیت؛ کودک ودشواری های رفتار، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی منادی تربیت
- مظاهری، علی اکبر، (۱۳۷۵)، هشدارهای تربیتی، مؤسسه انتشارات هجرت، ص ۱۲۱
- مورفی-ویت، مونیکا، (۱۳۸۷)، والدین جدی، فرزندان خوشبخت، ترجمه؛ خلیلی، سپیده، چاپ اول، تهران، انتشارات نشرپنجره
- موسوی راد لاهیجی، سید حسن، (۱۳۷۹)، پدرمادرمعلم مراخوب تربیت کن، انتشارات امام شناسی وآثارالحجه(عج)، ص ۱۲۸
- میخبر، سیما، (۱۳۸۶)، ریحانه بهشتی یافرزندصالح، انتشارات نور الزهرا(س)، ص ۲۳۵، ۲۲۷، ۲۲۶، ۲۲۳
- نهج البلاغه، مترجم، فیض الاسلام، نامه ۳۱، نامه به امام حسن(ع)
- وسائل الشیعه، جلد پنجم، ص ۱۲۶